درخواست گذشت از قتل مرد قالب‌ساز

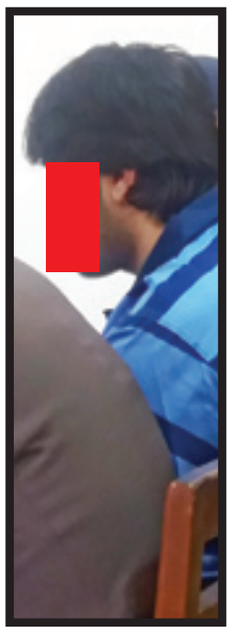

مرد قالب‌ساز که متهم است در جریان سرقت از کارگاه همکارش وی را به قتل رسانده در جلسه دادگاه درخواست گذشت کرد.

به گزارش «جوان»، سال گذشته مأموران پلیس پاکدشت از قتل صاحب یک کارگاه قالب‌سازی باخبر شدند. بعد از اعلام این خبر پلیس به آدرس آن کارگاه رفت و با جسد خونین مرد میانسالی به نام مهرداد روبه‌رو شد که با ضربات جسم سخت به سرش کشته شده‌بود. جسد به دستور قضایی به پزشکی قانونی فرستاده شد و کارگری که مأموران را باخبر کرده‌بود، مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: «مدتی است در این کارگاه مشغول کار هستم. امروز صبح وقتی به کارگاه آمدم، در کارگاه باز بود. وارد شدم، اما وسایل کارگاه به هم ریخته بود. همکاران دیگر را صدا کردم، جوابی نشنیدم. شک کردم به اینکه چه کسی در را باز کرده‌است، به همین خاطر همه قسمت‌های کارگاه را گشتم که متوجه شدم چند عدد دستگاه قالب‌ساز سرقت شده‌است. وقتی داخل یکی از اتاق‌ها شدم، با جسد مهرداد که صاحب کارگاه بود، روبه‌رو شدم. وحشت کردم و همان موقع با پلیس تماس گرفتم.»

بعد از این توضیحات، مأموران تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند و در روند آن دریافتند در همسایگی کارگاه مقتول، صاحب کارگاهی قصد فروش چند دستگاه قالب‌سازی را که متعلق به کارگاه خودش نبوده داشته است.

با به دست آمدن این سرنخ، مأموران آن مرد را که داود نام داشت، مورد تحقیق قرار دادند. داود در مراحل بازجویی سعی داشت با تناقض‌گویی‌هایش خودش را بی‌گناه نشان دهد، اما وقتی با بن‌بست اطلاعاتی روبه‌رو شد، بالاخره به قتل اعتراف کرد.

او در شرح ماجرا گفت: «من و دایی‌ام یک کارگاه قالب‌سازی داریم و در آن کار می‌کنیم. مهرداد هم در همسایگی ما کارگاه قالب‌سازی داشت و سال‌ها او را می‌شناختیم. مدتی بود مشکل مالی پیدا کرده‌بودم و با همسرم نیز مشکل داشتم. به همین خاطر تصمیم گرفتم یکی از دستگاه‌های کارگاهم را بفروشم. قبل از فروش دستگاه با مهرداد صحبت کردم که متوجه شدم او هم قصد فروش چند دستگاه قالب‌سازی دارد. همان موقع وسوسه شدم و نقشه سرقت به سرم زد.»

متهم در ادامه گفت: «طبق نقشه تصمیم گرفتم به کارگاه مهرداد بروم و با سرقت دستگاه‌ها و فروش آنها بدهی‌هایم را بپردازم، اما دستگاه‌ها سنگین بود و من مجبور بودم برای حمل آنها از جرثقیل استفاده کنم. به همین خاطر شب حادثه وقتی مهرداد وارد کارگاه شد، به بهانه ریختن چای داخل لیوانش چند عدد قرص خواب ریختم و به او خوراندم. مهرداد بعد از نوشیدن آن به خواب عمیق فرو رفت. همان موقع دو مالخر را به کارگاه آوردم و شبانه با جرثقیل چند عدد از دستگاه‌های کارگاه خودم و مهرداد را به او فروختم. چند ساعتی گذشته بود که مهرداد از خواب بیدار شد و متوجه سرقت دستگاه‌ها شد. او مرا صدا کرد و به کارگاهش رفتم. مهرداد وقتی مرا دید، شروع به داد و فریاد کرد. او می‌خواست پلیس را خبر کند که کار به درگیری کشید. در آن درگیری چند ضربه به سرش زدم و از ترس فرار کردم.»

با اقرارهای متهم، وی بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

متهم در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه از سوی ریاست دادگاه اولیای‌دم درخواست قصاص را مطرح کرد. سپس مرد جوان در جایگاه قرار گرفت و گفت قتل عمد را قبول ندارد. او در دفاع از خودش گفت: «مهرداد وقتی متوجه سرقت شد می‌خواست به پلیس زنگ بزند. می‌خواستم او را از این کار منصرف کنم، اما هر چه خواهش کردم فایده نداشت. این شد که عصبانی شدم و چوبی را که روی زمین افتاده‌بود، برداشتم. خواستم به کمر او ضربه بزنم تا روی زمین بیفتد و دیگر نتواند راه برود، اما او یکباره برگشت و ضربه ناخواسته به سرش برخورد کرد و موجب شکستگی جمجمه‌اش شد.»

متهم در آخر گفت: «اشتباه کردم و پشیمانم. آن زمان مشکلات مالی خیلی مرا اذیت می‌کرد، به همین خاطر وقتی فهمیدم قصد دارد دستگاه‌های گران‌قیمت کارگاهش را بفروشد، تصمیم گرفتم آن دستگاه‌ها را سرقت کنم. باور کنید فکر نمی‌کردم آن ضربه موجب قتل شود.»

در پایان هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات متهم وارد شور شد.

سرقت از طلافروشان برای عروسی مجلل

غلامرضا مسکنی

سردسته باند سرقت از طلافروشان پس از بازداشت مدعی شد برای برگزاری مراسم مجلل عروسی‌اش دست به ارتکاب جرم زده بود که همراه اعضای باندش بازداشت شد.

یکی از روزهای پایانی تابستان امسال مردی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از دو سارق موتورسوار به اتهام سرقت کیف پر از طلایش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «در شهرستان اصفهان طلافروشی دارم و معمولاً هرچند وقت یک‌بار برای خرید طلا به بازار تهران می‌آیم و پس از خرید، طلاها را به اصفهان می‌برم و با سود می‌فروشم. امروز صبح به تهران آمدم و از بازار بیش از یک کیلو طلا خریدم و داخل کیفم جاسازی کردم و با پای پیاده از داخل کوچه‌ها به طرف خیابان مولوی به راه افتادم. نزدیکی میدان محمدیه بودم و می‌خواستم تاکسی به مقصد راه‌آهن بگیرم که ناگهان دو موتورسیکلت با چهار سرنشین به من نزدیک شدند، یکی از ترک‌نشین‌ها در چشم برهم‌زدنی کیف پر از طلا را از دستم قاپید و به سرعت فرار کردند. آن لحظه به شدت شوکه شده بودم و ثانیه‌هایی بعد با داد و فریاد درخواست کمک کردم، اما فایده‌ای نداشت و سارقان با کیف طلا فرار کردند.»

۱۰ شاکی

با طرح این شکایت، پرونده به دستور بازپرس برای رسیدگی و شناسایی سارقان در اختیار تیم زبده‌ای از کارآگاهان اداره هجدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، مأموران پلیس با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که تعدادی از طلافروشان کیفی از سارقان موتورسوار به اتهام سرقت کیف طلایشان در حوالی بازار شکایت کرده بودند.

در حالی که شکایت از سارقان به عدد ۱۰ رسیده بود، مأموران پلیس در بررسی اظهارات مالباخته‌ها دریافتند طلافروش‌ها از شهرهای مختلف و به‌خصوص از شهرستان اصفهان برای خرید طلا به تهران آمده‌اند و پس از خرید طلا در کوچه و پس‌کوچه‌های اطراف بازار در دام سارقان موتورسوار گرفتار شده و اموال خود را از دست داده‌اند. مأموران پلیس در بررسی دوربین‌های مداربسته متوجه شدند اعضای باند سارقان کیف‌های طلا، شش نفر هستند که دو نفر از آنها وظیفه شناسایی طلافروشان را در بازار دارند و دو نفر دیگر هم پس از تعقیب طلافروشان در فرصت مناسب کیف طلاها را سرقت و دو نفر آخر هم همدستانشان را اسکورت می‌کنند تا در مواقع ضروری به کمک آنها بروند. همچنین تحقیقات مأموران نشان داد سارقان علاوه بر سرقت کیف‌های طلا گاهی هم کیف‌قاپی و موبایل‌قاپی می‌کنند.

مأموران در بررسی‌های بعدی سه نفر از متهمان را که سابقه سرقت کیف‌قاپی، موبایل‌قاپی و درگیری داشتند، شناسایی کردند و سارقان را تحت تعقیب قرار دادند.

دستگیری سارقان

سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام خبر دستگیری باند سارقان کیف‌های طلا به خبرنگار «جوان» گفت: «پس از طرح شکایت‌های سریالی درباره سرقت از طلافروشان کیفی، کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند تا اینکه خیلی زود به ردپای چند سارق سابقه‌دار در سرقت از طلافروشان رسیدند. پس از به دست آمدن این سرنخ، مأموران مخفیگاه آنها را تحت نظر گرفتند و موفق شدند شش عضو این باند را دستگیر و در مخفیگاه آنها نیم کیلو طلای سرقتی کشف کنند. متهمان در بازجویی‌ها به دو فقره سرقت از طلافروشان اعتراف کرده‌اند، اما بررسی‌های مأموران حکایت از آن دارد اعضای این باند، کیف ۱۰ طلافروش را سرقت کرده‌اند. البته متهمان به غیر از سرقت طلا به بیش از ۳۰ فقره کیف‌قاپی و موبایل‌قاپی هم اعتراف کرده‌اند.»

رئیس پلیس آگاهی پایتخت در ادامه گفت: «امنیت جسمی و مالی مردم خط قرمز ماست و مأموران پلیس از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نمی‌کنند، به‌طوری که در شش ماه نخست امسال نسبت به شش ماه سال قبل مأموران بیش از ۲ هزار سارق بیشتر دستگیر و تحویل قانون داده‌اند.»

■■■

گفت‌وگو با سردسته سارقان

سردسته سارقان، پسر ۲۷ ساله‌ای به نام آبتین است که به گفته خودش شش سال است در طلافروشی یکی از بستگانش مشغول به کار بوده است. آبتین قرار بود چند روز دیگر مراسم عروسی‌اش را برگزار کند و برای اینکه بتواند مراسمی مجلل بگیرد همراه پنج نفر از دوستانش نقشه سرقت از طلافروشان کیفی را طراحی و اجرا می‌کند، اما قبل از اینکه حلقه ازدواج به دستش کند، دستبند به دستانش زده می‌شود.

آبتین چی شد که از شاگردی طلافروشی به سرقت از طلافروشان روی آوردی؟

من شش سال در مغازه طلافروشی یکی از بستگانم کار می‌کردم، اما همیشه مشکل مالی داشتم و حقوقم زیر ۱۰ میلیون تومان بود. می‌خواستم مراسم دامادی مجللی برای خودم بگیرم، به همین خاطر یک روز که در سفرخانه سنتی همراه دوستانم قلیان می‌کشیدیم، فکر سرقت از طلافروشان به ذهنم آمد و به دوستانم پیشنهاد دادم.

مراسم مجللت را گرفتی؟

نه. متأسفانه پیشنهاد عروسی مجلل را خانواده نامزدم به من دادند و من هم می‌خواستم بین دوستان و بستگانم کم نیاورم. البته هم حرف‌های دوستان و هم بلندپروازی خودم بی‌تأثیر نبود.

چه حرفی؟

می‌گفتند مثلاً فلانی از راه سرقت ماشین شاسی‌بلند گرانقیمت سوار شده یا مثلاً فلان خلافکار به مال و منال زیادی رسیده است. فکر می‌کردم من که در طلافروشی کار می‌کنم و هفتم گرو هشتم است، آدم بی‌عرضه‌ای هستم، بنابراین تصمیم گرفتم سرقت کنم.

مالباخته را می‌شناختی؟

نه، اما در این مدتی که در طلافروشی کار می‌کردم و به بازار رفت و آمد داشتم، می‌دیدم افرادی از شهرستان برای خرید طلا به بازار تهران می‌آیند و بعد با کیفی پر از طلا راهی شهرشان می‌شوند.

سابقه داری؟

نه، من اصلاً سابقه ندارم، اما بعضی از دوستانم حرفه‌ای و سابقه‌دار هستند. الان در بین تیم ما یک نفر سابقه کیف‌قاپی دارد که وظیفه او قاپیدن کیف طلافروشان بود و انصافاً هم خوب می‌قاپید. نفر دوم سابقه موبایل‌قاپی دارد و یک نفر دیگر نیز سابقه درگیری و نزاع دارد. یکی دیگر از اعضای باند هم سفره‌خانه سنتی دارد که پاتوق ما آنجا بود و شب‌ها هنگام قلیان کشیدن نقشه سرقت را طراحی می‌کردیم. آخرین عضو هم فردی تحصیلکرده از دانشگاه است که ما سعی می‌کردیم از اطلاعات و تجربیات او هم استفاده کنیم.

علاوه بر سرقت کیف طلا، موبایل هم سرقت می‌کردید؟

اعضای باند ابتدا کیف و موبایل سرقت می‌کردند، اما وقتی پیشنهاد سرقت کیف طلا را دادم و متوجه شدند پول خوبی گیرمان می‌آید، سرقت موبایل را کنار گذاشتند و فقط کیف طلا سرقت می‌کردیم. البته دو مورد بیشتر موفق نشدیم که دستگیر شدیم.

درباره سرقت‌ها توضیح بده؟

من و یک نفر از اعضای باند، سوژه را در بازار شناسایی و پس از اینکه طلا می‌خرید او را تعقیب می‌کردیم. معمولاً طلافروشان کیفی با پای پیاده از کوچه و پس‌کوچه‌ها خودشان را به خیابان می‌رسانند و ما هم به همدستانمان آمارشان را می‌دادیم و آنها هم سرقت می‌کردند.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه. می‌خواستم پس از چند سرقت وقتی پولدار شدم مغازه طلافروشی بزنم و زندگی‌ام را ادامه بدهم که دستگیر شدیم.

قمار مرگ بر سر یک پاکت سیگار

درگیری سه معتاد کارتن‌خواب بر سر قمار یک پاکت سیگار با قتل یکی از آنها پایان یافت.

به گزارش «جوان»، ساعت ۶:۳۰ صبح دیروز شنبه ۱۹ آذر قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۷ جوادیه از درگیری خونینی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه نزدیکی ترمینال جنوب با جسد مرد جوانی روبه‌رو شد که با اصابت ضربه چاقویی به قتل رسیده‌بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول معتاد و کارتن‌خواب است و ساعتی قبل در درگیری با دو کارتن‌خواب دیگر سر قمار یک پاکت سیگار درگیری رقم می‌زند که در جریان آن با اصابت ضربه چاقوی یکی از آنها به نام بهمن به قتل می‌رسد.

همچنین مشخص شد مقتول برنده قمار بوده و بازنده هم به یکی از دوستانش دستور داده تا برنده را گوشمالی دهد، اما او با ضربات چاقو مرد جوان را به قتل می‌رساند و سپس از محل فرار می‌کند.

قمار باز بازنده که از سوی مأموران پلیس به دام افتاده‌بود، در توضیح ماجرا گفت: «من، مقتول و قاتل هر سه معتاد و کارتن‌خواب هستیم با هم در پاتوق معتادان و خلافکاران می‌خوابیم و زندگی می‌کنیم. بعضی روزها با هم سر پول مواد یا سیگار یا خرید خوراکی قمار می‌کنیم.

امروز من و مقتول سر یک پاکت سیگار با هم قمار کردیم و من باختم، اما احتمال دادم او تقلب کرد و به همین دلیل با هم مشاجره لفظی کردیم. حرف‌های مقتول باعث شد از او کینه به دل بگیرم و از دوستم خواستم او را گوشمالی دهد تا برای من شاخ و شانه نکشد، اما فکر نمی‌کردم دوستم او را به قتل برساند. دوستم قبول کرد و به سراغ مقتول رفت و با او درگیر شد که ناگهان متوجه شدم با چاقو او را زخمی و فرار کرد. پس از این حادثه با اورژانس و پلیس تماس گرفتیم.»

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران در تلاشند تا قاتل فراری را دستگیر و زوایایی پنهان این حادثه را برملا کنند.

یادداشت

هزینه ارتکاب جرم پایین مانده است

حسین فصیحی

هر روز که می‌گذرد بر آمار کسانی که نامشان در لیست مجرمان ثبت می‌شود، افزوده می‌شود. فراهم بودن زمینه‌های ارتکاب جرم در کشور از جمله جرائم سرقت و کلاهبرداری سبب شده اقبال گسترده‌ای به این جرائم وجود داشته باشد. از شهریورماه امسال و همزمان با مرگ مهسا امینی و گسترده شدن دامنه آشوب‌ها و ناامنی‌ها در کشور، آمار بروز جرائم هم شدت بیشتری گرفته است. دلیل روشن افزایش ناامنی‌ها هم درگیر بودن پلیس در برخورد با آشوب‌هاست که مخلان امنیت از فرصت ایجاد شده برای رسیدن به اهداف مجرمانه‌شان بهره می‌برند.

روز گذشته رئیس پلیس آگاهی تهران اعلام کرد در سال جاری بیش از ۲هزار مجرم بازداشت شده‌اند که این آمار از سال گذشته بیشتر است. اظهارات پلیس درباره مجرمان بازداشت شده در جریان طرح‌های مستمری که در جریان است هم نشان می‌دهد عمده بازداشت شدگان از مجرمانه سابقه‌دار هستند. بنابراین روشن است بازداشت این افراد و مجازات‌های در نظر گرفته شده، نتوانسته آنها را به عنوان افرادی اصلاح شده به جامعه بازگرداند. بدیهی است در چنین شرایطی هزینه‌های ارتکاب جرم آنقدر پایین آمده است که مرتکبان ریسک جرم‌پذیری را قبول کرده‌اند و دوباره به چرخه جرم بازگشته‌اند. بالا رفتن هزینه ارتکاب جرم در این باره، تشدید مجازات‌های پیش‌بینی شده را شامل نمی‌شود، بلکه محرومیت‌هایی را مدنظر قرار می‌دهد که مرتکبان در صورت آگاهی از آن از پذیرش پیشنهاد برای ارتکاب جرم صرف‌نظر کنند. مجازات‌هایی مثل محرومیت اجتماعی از حق رانندگی، خارج شدن از شهر، دریافت کمک‌هزینه‌های معیشتی یا مواردی که دانشمندان علوم اجتماعی با در نظر گرفتن آن بتوانند فرد مرتکب را از رسیدن به هدف مجرمانه دور نگه دارند. باز کردن درهای خروجی زندان‌ها به روی مجرمان از انگیزه‌هایی است که اهداف مجرمانه برای تشدید ارتکاب جرم را شدت می‌بخشد.

روشن است وقتی تبهکاری بارها در چرخه جرم حرکت می‌کند، ترسی از قانون و مجازات‌های در نظر گرفته شده ندارد و همین امر را به عنوان مصونیت برای خود تلقی و به گسترده‌تر شدن دامنه ناامنی در جامعه اضافه می‌کند. چه بسا مجرمانی که از سال‌های حبس کشیده خود به عنوان افتخار یاد می‌کنند یا مقاومت مقابل پلیس و زخم برداشتن در جریان درگیری‌ها را امتیاز می‌دانند. بی‌پروایی مجرمان مقابل ساختار قانونی را باید به منزله خطر تلقی کرد. در چند سال گذشته مدام این جمله از زبان پلیس در فضای عمومی جامعه بیان شده است که زندان دانشگاه مجرمان است. بنابراین ساختار قانونی کشور باید برای محلی که به تعلیم و تربیت مجرمان تبدیل شده‌است، آزمون‌های دشواری برگزار کند.

بازداشت مجرم تبر به دست در بندرگز

فرمانده انتظامی شهرستان بندرگز استان گلستان از بازداشت مردی خبر داد که با ضربات تبر، حادثه‌ای خونین را رقم زده بود.

به گزارش جوان، سرهنگ مهدی مهدوی‌نیا گفت: دو روز قبل مأموران پلیس از حادثه درگیری در یکی از محله‌های شهر باخبر و در محل حاضر شدند. وی ادامه داد: مأموران پلیس در بررسی‌های اولیه متوجه شدند مردی در جریان درگیری یکی از دوستانش را با ضربات تبر از ناحیه سر و صورت مجروح و روانه بیمارستان کرده است.

سرهنگ مهدوی‌نیا ادامه داد: مأموران پلیس در اولین گام مرد تبر به دست را که در محل حضور داشت، بازداشت کردند که به جرمش اعتراف کرد و گفت به خاطر اختلاف شخصی دست به تبر شده و حادثه را رقم زده است.

گاز موتوربرق جان ۲ چوپان را گرفت

استنشاق گاز منوکسیدکربن ناشی از کار کردن موتوربرق در یکی از روستاهای شهرستان بجنورد به قیمت جان دو چوپان تمام شد.

ابراهیم سارمی، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر گفت: روز گذشته امدادگران از مرگ دو چوپان در یکی از دامداری‌های روستای رئین شهرستان بجنورد باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد دو چوپان به دلیل استنشاق گاز ناشی از کار کردن موتوربرق، جانشان را از دست داده‌اند.

در بررسی‌های بیشتر مشخص شد دو چوپان به تازگی برای چوپانی گوسفندان یکی از اهالی که فوت شده بود، استخدام شده بودند که فوت کردند.

بازداشت عاملان حمله به آمبولانس در بجنورد

مردان آشوبگر که در جریان حمله به یک آمبولانس در شهرستان بجنورد، امدادگران را مجروح کرده‌بودند، بازداشت شدند.

سی‌ام شهریور ماه امسال بود که آمبولانس دانشگاه علوم پزشکی شهرستان بجنورد هدف حمله سه نفر از آشوبگران قرار گرفت. در جریان این حمله آمبولانس به آتش کشیده شده و یکی از تکنسین‌ها از ناحیه کتف و قفسه سینه با چاقو هدف قرار گرفت. بعد از آن بود که تلاش برای بازداشت عاملان حادثه به جریان افتاد تا اینکه سربازان گمنام امام زمان موفق شدند عاملان حادثه را بازداشت کنند.

آنها اعتراف کرده‌اند که تحت‌تأثیر شبکه‌های معاند دست به این رفتار زده‌بودند که تحقیقات از آنها جریان دارد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۱۵۳۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۴۲۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین مالکانه و بلامعارض مالکیت متقاضی خانم صغری رسول‌خانی فرزند رجبعلی کد ملی ۴۳۲۲۸۶۷۳۴۰ صادره از قزوین شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع پلاک ۵۱ اصلی بخش ۱۴ قزوین که در ازای سهم مشاعی متقاضی در سهم مالک متن قرار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

م.الف: ۸۰۶ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قزوین

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۵۲۱ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای هادی عرب فرزند علی در شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۶۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۸ اصلی بخش ۹ واقع در طبرسی شمالی ۲۸ خالقی ۲۳ پلاک ۵۸ خریداری از مالک رسمی آقای حسین ضعیف محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۹/۲۰

م.الف: ۲۱۰ رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۵ مشهد

مفقودی

برگ کمپانی، برگ سبز و کارت شناسایی خودروی تراکتور صنعتی فرگوسن MS۲۸۵ مدل ۱۳۸۴ به رنگ آبی و شماره موتور ۱۵۸۶۵ و شماره شاسی D۱۴۰۰۳ متعلق به مؤسسه غیرانتفاعی عمران شهرک صنعتی اشتهارد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. الف ل

مفقودی

برگ کمپانی، برگ سبز و کارت شناسایی خودروی کامیونت ون نیسان مدل ۱۳۸۵ به رنگ آبی به شماره انتظامی ۷۱د۷۳۸ ایران ۶۸ و شماره موتور ۳۶۲۹۶۴ و شماره شاسی J۰۴۹۸۷۹ متعلق به مؤسسه غیرانتفاعی عمران شهرک صنعتی اشتهارد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. الف ل

مفقودی

برگ کمپانی و برگ سبز خودروی وانت پیکان OHV ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۱۷۴ب۹۲ ایران ۶۸ و شماره موتور ۱۱۴F۰۰۵۳۰۲۷ و شماره شاسی NAAA۴۶AA۱DG۳۸۲۷۹۵ متعلق به مؤسسه غیرانتفاعی عمران شهرک صنعتی اشتهارد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. الف ل

مفقودی

برگ سبز (سند مالکیت) سواری پراید هاچ‌بک تیپ ۱۱۱ مدل ۱۳۹۰ به شماره شاسی S۵۴۳۰۰۹۰۰۴۸۴۱۷ و شماره موتور ۳۹۵۶۹۰۲ و شماره پلاک ۶۳۲ب۱۲ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

مفقودی

شناسنامه خودرو سواری هاچ‌بک پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی NAAR۰۳FE۹NJ۹۳۵۷۰۳ و شماره موتور ۱۷۸B۰۱۰۶۰۰۹ و شماره پلاک ۳۶۵هـ۷۸ ایران ۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان

مفقودی

برگ سبز و کارت خودرو پژو پارس به شماره شاسی NAANA۱۵E۳NK۸۵۷۹۷۸ و شماره موتور ۱۲۵K۰۰۵۴۰۳ و شماره پلاک ایران ۸۳- ۲۲۹س۷۲ به نام سیده‌زهرا موسوی با کد ملی ۶۵۷۹۹۹۱۱۰۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز